



ورود ایران به سازمان تجارت جهانی: مسائل و الزامات

دکتر عبدالله قنبرلو*

اشاره:

ورود ایران به سازمان تجارت جهانی یکی از موضوعات بحث‌انگیز اقتصادی ایران است که به ویژه طی دوره پس از توافق هسته‌ای مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است. ایران در حال حاضر یکی از ۲۰ عضو ناظر این سازمان است، اما برای بهره‌برداری از مزایا و فرصت‌های آن نیاز به عضویت کامل دارد. مخالفت برخی اعضای سازمان، تا کنون یکی از موانع اساسی الحاق ایران بوده که اخیراً به نظر می‌رسد در این زمینه گشایش‌هایی حاصل شده است. با این حال، باید در نظر داشت با فرض رفع چنین مانعی هنوز زمینه برای فعالیت ایران در قالب سازمان تجارت جهانی آنچنان که باید، مساعد نیست.

مقدمه

طی هفته‌های اخیر، چراغ سبز آمریکا و اروپا به ایران برای ورود به سازمان تجارت جهانی از سوژه‌های مورد توجه رسانه‌های ایران بود. این خبر در حالی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد که برخی مقامات ایران پس از انعقاد توافق جامع هسته‌ای از ضرورت در دستور کار قراردادن و پیگیری موضوع الحاق ایران به سازمان مذکور صحبت کرده‌اند. حتی عده‌ای بر آنند که ایران تلاش دارد با شتاب بیشتری فرایند الحاق را طی کرده و تا پایان چهار سال اول دولت آن را به سرانجام برساند؛ سیاستی که مخالفان قابل توجهی در میان سیاست‌سازان کشور دارد.

ابراز تمایل ایران به سازمان تجارت جهانی، پیشینه طولانی دارد و در همان دهه ۱۹۹۰ که تشکیل شد، دولت وقت بر

ضرورت همکاری با شبکه تجارت جهانی از طریق این سازمان واقف بود. به همین دلیل، به سرعت درخواست عضویت خود را به دبیرخانه سازمان ارائه نمود که بارها با مخالفت دولت آمریکا روبه‌رو شد. پیگیری‌ها ادامه داشت تا اینکه در خرداد ۱۳۸۴ اعلام شد که غربی‌ها حاضرند با ورود ایران به سازمان همکاری کنند. آن زمان، دولت ایران گزارش رژیم تجاری خود را آماده کرد، به سؤالات پاسخ داد و گام‌های مقدماتی مربوط به فرایند مذاکرات را برداشت. با این حال پس از تغییر دولت در ایران و تشدید تنش‌ها بر سر مسئله هسته‌ای در همان سال، موضوع ورود به سازمان تجارت جهانی به فراموشی سپرده شد.

حال که تنش‌های هسته‌ای فروکش کرده و تعهدات برجام به اجرا گذاشته شده، دوباره اهمیت ورود به این سازمان جهانی مورد توجه قرار گرفته است. دولت در صدد است روند الحاق را با انرژی بیشتری دنبال کند. طی اجلاس جهانی داووس که در اوایل سال ۲۰۱۶ برگزار شد، محمد نهاوندیان، رئیس دفتر رئیس‌جمهور ایران در مصاحبه با خبرگزاری اسپوتنیک روسیه اظهار داشت که ایران امیدوار است تا پایان سال ۲۰۱۶ به سازمان بپیوندد و در این راستا خواستار همکاری بین‌المللی برای شتاب بخشیدن به این فرایند شد.



با این اوصاف، به نظر می‌رسد مسائل پیچیده‌تری پیش روی اقتصاد ایران قرار دارد، به نحوی که حتی چراغ سبز غرب نیز ممکن است چندان راه‌گشا نباشد.

نگاهی به وضع موجود

سازمان تجارت جهانی بر یک اصل اساسی در علم اقتصاد اتکا دارد و آن ضرورت کارآمدسازی تولید از طریق رقابت آزاد و منصفانه است. در جهانی که منابع کمیاب است، استفاده بهینه از منابع موجود، ضرورت‌گریز ناپذیر است. به این منظور، راهی جز کارسازی هر چه بیشتر شیوه‌های تولید وجود ندارد. برای تشخیص تولیدکننده کارا از تولیدکننده ناکارا لازم است علاوه بر کیفیت محصول به هزینه تولید توجه کرد. امروزه هزینه تولید معنای موسعی یافته و حتی هزینه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی را نیز در برمی‌گیرد. هر چه هزینه تولید یک کالا در مقایسه با کالاهای همسان دیگر کاهش یابد، بدین معنی است که کارایی تولید افزایش یافته است. حال، در جهانی که منابع، امکانات و استعدادها موجود در آن پراکنده است، باید نوعی تقسیم کار جهانی از طریق رقابت آزاد صورت گیرد. البته در جهان واقعی امکان ایجاد بازار رقابت کامل برای همه کالاها وجود ندارد و حدی از انحصارگرایی گریزناپذیر است. نکته مهم این است که می‌توان از طریق همکاری بین‌المللی انحصارها را کاهش داد و فضای مساعدتری برای رقابت آزاد فراهم کرد.

سازمان تجارت جهانی با همین هدف خلق شده است. البته برای سازمان محرز است که کشورهای در حال توسعه به خاطر ضعف در پتانسیل‌های تولید از توان رقابتی پایینی برخوردارند. برای سازمان همچنین محرز است که حتی در اقتصادهای پیشرفته نیز بنگاه‌های کوچک یا نوظهوری وجود دارند که برای مدتی نیازمند حمایتند. از این رو، سازمان قید و بندهایی برای رقابت آزاد تعریف کرده تا تولیدکنندگانی که استعدادشان بالفعل نشده، امکان رشد و بلوغ داشته باشند. بنابراین، عضویت در سازمان به معنی نابودی قطعی تولیدکنندگان ضعیف نیست.

از همان زمان تشکیل سازمان، بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه با وجود مشکلات و ضعف‌ها، فرایند الحاق را آغاز کردند و تا کنون اکثر آنها وارد سازمان تجارت جهانی شده‌اند که تاجیکستان، افغانستان، و لیبیا از نمونه‌های اخیر آن هستند. همچنین

نمونه‌های مشابه دیگری وجود دارند که در حال طی کردن فرایند الحاق هستند. ایران بزرگ‌ترین اقتصاد خارج از سازمان محسوب می‌شود که در کنار معدود اقتصادهای قابل توجهی مثل الجزایر و عراق به دلایلی هنوز وارد سازمان نشده است. در حال حاضر، ۱۶۴ کشور جهان به عضویت کامل سازمان در آمده‌اند. ۹۶/۴ درصد تجارت جهان و همچنین ۹۶/۷ درصد تولید ناخالص داخلی جهان بر عهده اعضای سازمان است. با این حساب، پیداست که الحاق ایران به سازمان صرفاً انتخاب داوطلبانه عادی نیست، بلکه ضرورت استراتژیک است، زیرا در غیر این صورت امکان پیشرفت صنعتی و اقتصادی کشور محدود خواهد ماند. ممکن است عضویت در سازمان منجر به نابودی برخی صنایع ضعیف در کشور شود، اما در عین حال، فرصت مهمی برای حضور موفق و باکیفیت در بازارهای جهانی فراهم خواهد کرد.

در حال حاضر، رژیم تجاری ایران دوباره به روز شده و تحویل سازمان داده شده است. بنابراین، ایران آماده است به سؤالات اعضای سازمان در مورد سیاست‌ها و مقررات تجاری خویش پاسخ دهد. البته این صرفاً آغاز کار است. با فرض همکاری اعضا، فرایند عضویت مدتی به طول می‌انجامد. ایران ملزم خواهد بود قوانین و مقررات تجاری خود را با اصول سازمان تجارت جهانی هماهنگ کند. این کار با توجه به اینکه اقتصاد ایران قویاً تحت کنترل دولت قرار دارد، بحث‌انگیز و پرچالش خواهد بود. البته باید توجه داشت که اقتصاد ایران در شرایط کنونی وضعیت دشواری را سپری می‌کند. با وجود اجرای



کارخانجات ورشکست شده یا در تنگنای اقتصادی به سر می‌برند. صنایع مادر و زیرساخت‌های اقتصادی کشور صدمات بزرگی دیده‌اند. هنوز هم نفت در تولید ناخالص داخلی کشور نقش کلیدی دارد. با وجود اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها، هنوز بخش اعظم تولیدات کشور نیازمند یارانه‌های دولتی است. باید تدابیر مؤثرتری برای خروج اقتصاد کشور از رکود اندیشیده شود تا بنگاه‌های داخلی ضمن ورود به وضعیت رونق، کارایی و رقابت‌پذیری خود را تقویت کنند. در این صورت، طبعاً الحاق به سازمان تجارت جهانی می‌تواند زمینه‌ساز جهش‌های دیگری در اقتصاد کشور باشد. در غیر این صورت، آن‌چنان که تجربه برخی اقتصادهای در حال توسعه نشان داده، ورود منفعلانه و ضعیف به سازمان نه تنها گرهی از مشکلات باز نمی‌کند، بلکه به تداوم یا حتی افزایش مشکلات می‌انجامد.

اهمیت پیشبرد فرایند الحاق

در مورد تأثیر تجارت آزاد بر رشد و توسعه اقتصادی کشورها مباحث و تئوری‌های گسترده‌ای عرضه شده است. اقتصاددانان جریان اصلی غالباً تأکید دارند که تجارت یکی از موتورهای محرک رشد و توسعه اقتصادی کشورهاست. تجارت آزاد سبب شکل‌گیری سیستم‌های تولید ملی بر پایه مزیت نسبی کشورها می‌شود. در نتیجه، در هر کشوری کالاها و خدماتی تولید می‌شوند که با توجه به منابع موجود در آن کشور با شرایط بهتر و هزینه کمتری تولید خواهند شد. همچنین، واردات، جایگزین کالاها و خدماتی از داخل می‌شوند که با توجه به منابع و ظرفیت‌های موجود در کشور پرهزینه‌تر تولید می‌شوند.

تجارت آزاد زمینه‌ساز شکل‌گیری بازی برد-برد است. اگر کشوری موانع تجاری را کاهش داده و دیگران را به اقدام مشابه وادارد، نه تنها خود از این کاهش موانع منتفع می‌شود، بلکه طرف‌های تجاری را نیز بهره‌مند می‌سازد. این قاعده فقط در مورد اقتصادهای پیشرفته صادق نیست، بلکه به اقتصادهای در حال توسعه نیز قابل تسری است. آن‌چنان که جفری فرانکل و دیوید رودمر در مقاله معروف خویش «آیا تجارت به رشد می‌انجامد؟» بحث کرده‌اند، اثر مثبت تجارت بر رشد اقتصادهای در حال توسعه نیز محسوس بوده است. آنها با مطالعه بر ۱۵۰ کشور مختلف به این نتیجه رسیده‌اند که هر افزایشی در درجه بازبودن (نسبت صادرات

برجام هنوز مبادلات مالی ایران با جهان خارج محدود بوده و فضای رکود همچنان بر اقتصاد کشور غالب است. اقتصاد کنونی ایران در مقایسه با خرداد ۱۳۸۴ به مراتب مشکلات و ضعف‌های بیشتری دارد. از این رو، عده‌ای از کارشناسان بر آنند که در چنین فضایی، ورود ایران به سازمان بسیار پرهزینه خواهد بود. از نظر آنها، ضرورت دارد پیش از سپری‌شدن فرایند عضویت، تدابیر لازم به کار گرفته شود تا ایران بتواند جایگاه تولیدی و صادراتی خود را در عرصه بین‌المللی بهبود بخشد. باید تولیدکنندگان داخلی در حدی توانمند شوند که امکان رقابت با رقبای خارجی را داشته باشند. یکی از سازوکارهای مهمی که می‌تواند در این مسیر کمک‌کننده باشد، انعقاد موافقت‌نامه‌های تجاری دوجانبه با کشورهای مختلف خصوصاً اقتصادهای نوظهور است که باعث می‌شود بنگاه‌های داخلی تدریجاً خود را برای فعالیت در عرصه بین‌المللی آماده کنند.

اقتصاد ایران پیش از ورود به سازمان نیازمند دو دسته تغییرات است. اول اینکه قوانین و مقررات موجود با هدف تقویت بخش خصوصی و حداقلی‌شدن دخالت دولت در اقتصاد اصلاح شوند. اغلب بخش‌های اقتصادی کشور به طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت کنترل دولت قرار دارد. حضور گسترده دولت و شبه‌دولتی‌ها در اقتصاد، مانعی بزرگ در راه شکوفایی اقتصاد کشور و همچنین ورود به شبکه تجارت جهانی است. تغییرات دوم که عمیقاً با تغییرات اول ارتباط دارد، ایجاد رونق و تقویت توان بازدهی بنگاه‌هاست. در سال‌های اخیر بسیاری از صنایع و

و واردات بر تولید ناخالص داخلی) میزانی از اثر مثبت بر درآمد و رشد را به دنبال دارد. آنها اشاره دارند که درجه بازبودن کشورها بسته به عوامل مختلف از جمله شرایط جغرافیایی، متغیر است. برای مثال، همسایگی با کشورهای پرجمعیت باعث افزایش تجارت شده و انزوای یک کشور باعث می‌شود میزان تجارت خارجی آن کاهش یابد، اما قاعده کلی این است که هر یک درصد افزایش در نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی باعث می‌شود درآمد هر شخص حداقل نیم درصد افزایش یابد. البته برخی این نگاه خوش‌بینانه در مورد نقش تجارت آزاد را مورد انتقاد قرار می‌دهند، اما کسی نمی‌تواند انکار کند که تجارت حداقل یکی از عوامل محرک رشد است. تجارت آزاد به تنهایی برای رشد کافی نیست، اما عنصری مهم و ضروری در تدوین استراتژی رشد به حساب می‌آید. هرچه گستره تجارت افزایش یابد، منافع ناشی از آن افزایش پیدا خواهد کرد. در صورت وجود یک شبکه تجاری جهانی با همکاری کلیه کشورهای جهان، منافع تجارت به حداکثر ممکن افزایش می‌یابد. در این صورت، تشکیل بلوک‌های منطقه‌ای با امتیازات ترجیحی، موجب انحراف تجارت خواهد شد. بنابراین، هرچه سازمان تجارت جهانی گسترده‌تر و آزادتر باشد، هم منافع طرف‌های تجاری و هم زیان‌های خارج‌ماندن از آن بیشتر خواهد شد

بر پایه نکات فوق‌الذکر، سیاست الحاق به سازمان تجارت جهانی یک انتخاب ضروری و استراتژیک برای دولت ایران به حساب می‌آید. اگرچه اقتصاد ایران امروزه با مشکلات مختلفی درگیر است، اما غفلت از سازمان به خاطر این مشکلات انتخاب درستی نیست. لازم است برنامه جامع و منسجمی برای پیمودن موفقیت‌آمیز فرایند الحاق به کار گرفته شود. در اینجا شایسته است به چند وجه اهمیت استراتژیک ورود ایران به سازمان اشاره کنیم

الف. مقاوم‌سازی اقتصاد ملی: فعالیت در چارچوب سازمان تجارت جهانی از لوازم اساسی سیاست مقاوم‌سازی اقتصاد کشور است. دولت در تبیین سیاست مقاوم‌سازی اقتصاد بر اصولی چون استفاده بهینه از پتانسیل‌ها و امکانات کشور، توسعه سرمایه انسانی، تعامل سازنده با جهان خارج و رسیدن به رشد پایدار تأکید کرده است. بدیهی است به منظور شکوفاسازی استعدادهای انسانی و مادی موجود در کشور هیچ سازوکاری مؤثرتر از قرارداد آنها در

یک محیط رقابتی نیست. سازمان تجارت جهانی اصولاً به منظور استفاده حداکثری از استعدادهای پراکنده در اقصی نقاط جهان ایجاد شده است. آن‌چنان که کارشناسان تأکید دارند، رقابت ضعیف و شکننده از کلیدی‌ترین عوامل عقب‌افتادگی اقتصاد ایران طی دهه‌های گذشته بوده است. برای نجات اقتصاد ملی، کشور نیازمند بخش خصوصی قدرتمند و رقابت‌پذیر است. توان‌مندی بخش خصوصی و جافتادان رقابت آزاد مستلزم دخالت حداقلی دولت در اقتصاد است. اگر به تجارب اقتصادهای نوظهوری مثل کره جنوبی، چین، هند و برزیل بنگریم، متوجه خواهیم شد که در این کشورها قوانین و مقررات با هدف تقویت بخش خصوصی رقابتی اصلاح شده‌اند. دخالت گسترده دولت و شکل‌گیری بوروکراسی بزرگ و پیچیده مخل اقتصاد آزاد و رقابتی است. فقط از طریق بسیج بخش خصوصی رقابت‌پذیر است که می‌توان از موهبت و استعدادها موجود در کشور به بهترین نحو ممکن استفاده کرد. از آنجا که ورود به سازمان تجارت جهانی مستلزم مقررات‌زدایی، آزادسازی و میدان‌دادن به بخش خصوصی است، به نظر می‌رسد با الحاق ایران به سازمان، امکان مناسبی برای مقاوم‌سازی اقتصاد ملی فراهم خواهد شد. برای مقاوم‌سازی اقتصاد ملی در برابر شوک‌ها و رویدادهای مخرب احتمالی چاره‌ای جز اتکا بر پتانسیل‌های داخلی وجود ندارد و به نظر می‌رسد برای فعال کردن آنها استفاده از فرصت‌های سازمان تجارت جهانی سودمند خواهد بود. مقاوم‌سازی اقتصاد نه تنها با برون‌گرایی تعارض ندارد، بلکه

شدیداً نیازمند آن است. بدون برون‌گرایی استعداد‌های نهفته در کشور به نحو صحیح و بهینه بالفعل نخواهند شد.

ب. تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی:

ورود ایران به سازمان تجارت جهانی فضا را برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مساعدتر می‌سازد. در حال حاضر، تلاش برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی یکی از سیاست‌های استراتژیک ایران است و بدیهی است رشد و توسعه اقتصادی کشور شدیداً نیازمند ورود سرمایه‌های خارجی است. با اینکه سازمان اساساً به دنبال سامان‌دهی تجارت بین‌الملل است، اما پیوستن به آن از زوایای مختلف به جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیز کمک خواهد کرد. ورود به سازمان مستلزم پذیرش اصولی چون آزادسازی، خصوصی‌سازی، و شفافیت است. پذیرش این اصول به اعتمادپذیری کشور کمک کرده و ریسک سرمایه‌گذاری را برای سرمایه‌گذاران خارجی کاهش می‌دهد. تجربه کشورهای مختلفی از جمله چین نشان داده که با عضویت در سازمان نه تنها حجم کل تجارت افزایش یافته، بلکه اشتیاق شرکت‌های خارجی برای سرمایه‌گذاری نیز بالا رفته است. یکی از انگیزه‌های اساسی عضویت کشورهای در حال توسعه در سازمان، تسهیل ورود سرمایه‌های خارجی بوده، هرچند تجربه و موفقیت دولت‌های مختلف در این زمینه متفاوت از یکدیگر است. امروزه صرف عدم عضویت در سازمان تجارت جهانی حتی به دلیل مخالفت‌های سیاسی یکی دو عضو سازمان، خواه و ناخواه نشانه‌ای از بالابودن ریسک سرمایه‌گذاری از

سوی سرمایه‌گذاران تعبیر می‌شود. بنابراین، ورود به سازمان، بهبود ثبات و اعتمادپذیری اقتصادی ایران را به دنبال خواهد داشت.

ج. جلوگیری از انزوای اقتصادی در جهان: یکی از

تهدیدات بنیادی علیه اقتصاد و امنیت ملی ایران طی دهه‌های اخیر، تمایلات خارجی یا احياناً داخلی برای به انزوا کشاندن کشورمان در صحنه بین‌المللی بوده است. تجربه نشان داده انزوای اقتصادی نه تنها به مقاوم‌شدن اقتصاد کشور کمک نمی‌کند، بلکه آن را آسیب‌پذیرتر نیز می‌سازد. فعالیت در قالب سازمان تجارت جهانی یکی از بهترین راه‌های ممکن برای جلوگیری از انزوای اقتصادی است. البته در اینجا باید تأکید کرد که عضویت در سازمان به معنی کناررفتن یا بی‌اثرشدن تحریم‌های بین‌المللی نبوده و نیست. نمونه‌های مختلفی از کشورها وجود دارند که با وجود عضویت در سازمان تجارت جهانی از سوی قدرت‌های غربی، آماج تحریم‌های سنگین بین‌المللی قرار گرفته‌اند، اما عضویت فعال و مؤثر این حسن را دارد که آسیب تحریم‌های بین‌المللی را کاهش می‌دهد. نکته دیگر اینکه تحریم کشورهای عضو سازمان هزینه بیشتری برای دولت‌های تحریم‌کننده دارد، چراکه سازمان صریحاً بر رفتار بدون تبعیض اعضا با همدیگر تأکید داشته و تحریم یک عضو به معنی رفتار تبعیض‌آمیز با آن است. قطعاً تحریم کشوری که در انزوای بین‌المللی به سر می‌برد، به مراتب آسان‌تر از کشوری است که روابط و بده‌بستان‌های گسترده بین‌المللی دارد. توافق برجام و رفع تحریم‌های بین‌المللی مسلماً ارتباط ایران با اقتصاد جهانی را تسهیل کرده است. این وضع فرصت مغتنمی فراهم کرده تا دولت ایران با استفاده از تجارب گذشته زمینه‌های انزوای مجدد را محدودتر سازد. ورود به سازمان تجارت جهانی سیاستی استراتژیک به منظور نهادینه‌سازی تعامل فعال و پویا با جهان خارج است. بدیهی است برای شکوفاسازی اقتصاد ملی صرف اتکا بر توانمندی‌ها و سرمایه‌های داخلی کافی نیست. کشور نیازمند امکانات و تسهیلاتی است که فراسوی مرزهای ملی قرار دارد. امروزه نه تنها علم و تکنولوژی چهره بین‌المللی دارد، بلکه بسیاری از فعالیت‌های متعارف بشر مثل حمل و نقل، تجارت، سرمایه‌گذاری و بانکداری نیز بین‌المللی شده‌اند. هرچه اقتصاد کشور منزوی‌تر باشد، امکان استفاده از فرصت‌های بین‌المللی و جهانی کاهش خواهد یافت. بنابراین، ضروری است از کلیه فرصت‌های پیش رو از جمله سازمان



تجارت جهانی برای ایجاد تعاملی فعال، سازنده و پایدار با جهان خارج استفاده کرد.

د. بهبود سلامت اقتصادی کشور: یکی دیگر از فرصت‌های بزرگی که سازمان تجارت جهانی پیش روی اقتصاد ایران قرار می‌دهد، کمک به توسعه شفافیت و سلامت اقتصادی کشور است. اعضای سازمان موظفند کلیه اطلاعات مربوط به سیاست‌ها و مقررات تجاری خود را به سازمان ارائه دهند. سازمان اگرچه میزانی از حمایت دولتی از برخی بنگاه‌ها را پذیرفته، اما تأکید دارد که حمایت‌ها بایستی مشخص و شفاف باشند. از این رو، بر رفع موانع غیرتعرفه‌ای و محدودشدن حمایت‌ها به شکل تعرفه تأکید دارد. بر اساس اصل شفافیت، کشورهای عضو بایستی مقررات تجاری خود را به نحوی وضع و در معرض مشاهده همدیگر قرار دهند که ضمن رعایت اصول اساسی سازمان مثل آزادسازی و عدم تبعیض، فرصت‌ها یا مشکلات تجاری کشورها برای هم قابل درک باشد. با تکیه بر اصل شفافیت، تحولات آتی بهتر قابل پیش‌بینی شده و برنامه‌های هوشمندانه‌تری تنظیم می‌شود. شفافیت، زمینه رانت‌جویی و قاچاق را محدود می‌کند. احراز شفافیت برای سازمان تجارت جهانی بسیار مهم است، زیرا کاهش موانع تجاری زمانی میسر است که موانع موجود قابل مشاهده باشند. تجار بیش از اینکه نگران مرتفع‌بودن حصارهای تجارت باشند، از نامشخص‌بودن آنها نگرانند. هدف سازمان این است که تجارت شکل منصفانه‌ای به خود بگیرد. بدیهی است الزام ایران به تجارت شفاف و منصفانه به سلامت اقتصادی آن کمک مؤثری خواهد کرد. امروزه ابهام در سیاست‌ها و مقررات تجاری ایران به مشکلی جدی تبدیل شده است. این ابهام در گسترش فساد نقش اساسی دارد. شفافیت باعث خواهد شد تجارت خارجی ایران در چارچوب موازین و استانداردهای سازمان تجارت جهانی جریان یابد. در این صورت، امکان سوءاستفاده به حداقل رسیده و تجارت خارجی کشور شکل سالم‌تری به خود می‌گیرد.

برای ورود موفقیت‌آمیز به سازمان بوده است. این در حالی است که در ساختار اقتصادی کشور تغییر چندانی ایجاد نشده است. آثار احتمالی منفی ورود به سازمان -از جمله کسری تجاری و ورشکستگی برخی بنگاه‌ها- عاملی است که باعث شده پروژه الحاق به سازمان با جدیت کافی دنبال نشود. طی دهه اخیر صنایع و زیرساخت‌های اقتصادی کشور با مشکلات متعددی مواجه شده‌اند. با این حال، متوقف کردن فرایند الحاق با این توجیه که زیرساخت‌های کشور آماده ورود به سازمان نیست، سیاست سنجیده‌ای قلمداد نمی‌شود. لازم است به موازات تلاش برای ترمیم و توسعه پایه‌های صنعت و اقتصاد کشور، پروژه الحاق با جدیت کامل و برنامه‌ریزی دقیق دنبال شود. بی‌تردید ورود ضعیف و منفعلانه، گرهی از مشکلات موجود را نخواهد گشود، اما این به معنی کمتربودن آسیب‌های ناشی از به فراموشی سپردن این سازمان نیست. تعهد به اصول سازمان باعث خواهد شد اقتصاد ایران از قاعده‌مندی و شفافیت بیشتری برخوردار شود و زمینه مناسب‌تری برای توانمندسازی و سالم‌سازی آن فراهم گردد. آرامش و پیشرفت کشور در گرو تعامل فعال با جهان خارج است؛ امروزه هیچ کشوری به تنهایی قادر به اداره فرایند پیشرفت و توسعه نیست.

نتیجه‌گیری

در بسیاری از تحلیل‌ها و گزارش‌هایی که در مورد ورود ایران به سازمان تجارت جهانی منتشر شده، به مقایسه مزایا و هزینه‌های عضویت ایران پرداخته شده است. از زمان تشکیل سازمان تا کنون، دغدغه عمده تصمیم‌گیران نیز آماده کردن شرایط کشور

